

خبر

قاچاق روزانه ۱۳۰ تانکر سوخت به افغانستان

● **ایسنا:**
گمرک ایران در تازه‌ترین بخشنامه خود با اذعان به قاچاق سوخت از کشور اعلام کرد که تانکرهای سراسر کشور باید نظارت خود را بر تانکرهای حاوی فرآورده‌های نفتی که قصد خروج از کشور را دارند، بیشتر کنند.
گمرک ایران اعلام کرده که با توجه به گزارش‌های واسله، تعدادی از تانکرهای حاوی فرآورده‌های مایع نفت و گاز، اظهاری در گمرک‌های داخلی به قصد خروج از گمرک‌های دوعارون، ماهیروود و میک دلاری پلمب روی درپچه‌های ورودی و خروجی هستند اما درپچه‌های بالای محفظه این تانکرها قابلیت اضافه کردن فرآورده را داشته و زمینه برای تخلف و اضافه شدن موادسوختی یارانه‌ای در طول مسیر از این محفظه بسیار محتمل است.
گمرک ایران با تاکید بر ضرورت پلمب کردن درپچه‌های فوق از گمرک‌های سراسر کشور خواسته از پذیرش نفتکش‌های خروجی فاقد پلمب این محفظه و همچنین گواهی کالیبراسیون خودداری کنند.
پیش‌تر ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز طی نامه‌ای نوشته بود که «روزانه ۱۲۰ تا ۱۳۰ تانکر مشتقات سوخت از مرز دوعارون صادر می‌شود. این تانکرها از مبدا گمرک در غرب تهران، اصفهان، یزد، زنجان، قزوین، گرمسار و درکه تهران اظهار می‌کنند. بنابراین باید شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که فقط از تانکرهای کاملا استاندارد با نظارت دقیق دستگاه‌های مرتبط استفاده شود. ضمنا در گمرک مقصد (دوعارون) در زمان خروج به صورت رندومی از بعضی از این تانکرها نمونه‌برداری شود. لازم به ذکر است که ترانزیت سوخت از مرز سرخس به مقصد نهایی افغانستان هم جریان دارد و در حال حاضر حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کانتنر حامل مواد سوختی ترانزیت در مرز سرخس متوقف است که به نوبت از مرز خارج شوند. بر اساس بررسی‌های انجام شده با احتساب دو مرز روزانه حدود پنج‌میلیون و ۵۰۰هزار لیتر سوخت به صورت صادرات و ترانزیت از دو مرز دوعارون و سرخس به مقصد افغانستان خارج می‌شود.»
اوایل بهمن سال گذشته رییس کل گمرک ایران با اشاره به اینکه تفاوت قیمت سوخت در ایران با خارج از کشور دردسترهای زیادی برای ماموران گمرک به‌وجود آورده است، از کشف محموله‌ای به میزان ۵۲ کانتنر گازوئیل قاچاق که تحت‌عنوان قیر صادراتی به گمرک اظهار شده بود، خبر داد. به گفته عباس معمارزاد در بررسی‌های انجام شده از این کانتنرها مشخص شد یک ردیف جلوی آنها قیر گنجانده شده و پشت این قیرها ۸۰۰هزار لیتر گازوئیل قاچاق پنهان شده بود.

● **ایسنا:**
فروش انواع خودرو در ایران در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱ با کاهش نزدیک به ۲۸/۶درصد به یک میلیون دستگاه رسید. با این حساب فروش خودرو در ایران به پایین‌ترین سطح خود طی پنج‌سال اخیر رسید.
براساس تازه‌ترین گزارش انجمن جهانی خودروسازان در سال ۲۰۱۱ فروش انواع خودرو در ایران به یک‌میلیون و ۳۳۰هزار دستگاه رسیده بود که این رقم در سال گذشته به یک‌میلیون دستگاه کاهش یافت.
محسن فروش خودرو در ایران در سال ۲۰۱۲ به پایین‌ترین سطح خود طی پنج سال اخیر و از سال ۲۰۰۷ تاکنون رسید. در سال ۲۰۰۷ فروش خودرو در کشور به یک میلیون و ۲۷هزار و ۹۰۰ دستگاه رسیده بود و قبل از آن فروش خودرو در ایران زیر یک میلیون دستگاه بود. اوج فروش مربوط به سال ۲۰۱۱ به میزان یک میلیون و ۳۲۰هزار دستگاه خودرو می‌شود. به صورت تفکیک شده نیز فروش خودروهای سواری در ایران طی سال گذشته میلادی با کاهش ۳۸/۵درصدی به ۸۶۰هزار دستگاه رسید. در حالی که فروش خودروهای تجاری با افت ۱/۳۹درصدی بالغ بر ۱۲۰هزار دستگاه شد.

اوج فروش خودروهای سواری و تجاری در ایران به ترتیب مربوط به سال ۲۰۱۱ به ترتیب با یک‌میلیون و ۳۳۰هزار دستگاه و ۲۳۰ هزار دستگاه است. با احتساب فروش یک‌میلیون دستگاه خودرو، ایران در سال ۲۰۱۲ شانزدهمین بازار بزرگ خودرو جهان بود.
سهم ایران از بازار جهانی خودرو نیز به حدود ۱/۲ درصد رسید.
فروش جهانی خودرو در سال ۲۰۱۲ با افزایش ۴/۸درصدی نسبت به سال ۲۰۱۱ به ۸۱میلیون و ۳۹هزار و ۹۶ دستگاه رسید. در سال ۲۰۱۲ بالاترین سطح فروش جهانی خودرو در کل تاریخ صنعت خودروسازی به ثبت رسید. پیش‌تر انجمن جهانی خودروسازان تولید خودرو ایران را در سال ۲۰۱۲ با کاهش ۴۰درصدی نسبت به سال۲۰۱۱ معادل ۹۸۹ هزار و ۱۱۰ دستگاه اعلام کرده بود.
بنا این میزان تولید ایران با پنج پله نزول نسبت به سال ۲۰۱۱ در رده هجدهم بزرگ‌ترین خودروسازان جهان در سال ۲۰۱۲ قرار گرفت.

رضا انصاری پژوهشگر موسسه «فریدمن» در گفت و گو با «شرق»:

ذهنیت ایرانی«بورژاست» نه «ضد لیبرال»

مهدی الیاسی: آزادیخواهی اقتصادی یکی از مسایل مناقشه‌برانگیز در حوزه اندیشه در تاریخ معاصر کشورمان بوده است، به طوری که بیشترین رویکردهای بازارستیزانه از محافل روشنفکری برخاسته و به فضای فکری جامعه تسری پیدا کرده است. به گونه‌ای که لیبرال بودن به دشنامی سیاسی بدل شد. در دو دهه اخیر اما با شکست و ناکار آمدی اقسام گوناگون اندیشه‌های دولت‌گرا افضا برای طرح ضرورت آزادیخواهی اقتصادی گشوده‌تر از گذشته شده و به تدریج راهبرد «خصوصی‌سازی» و «آزادسازی» به پارادایم غالب بدل شده است. در خصوص ضرورت‌های لیبرالیسم اقتصادی و برخی ابهامات در این خصوص گفت‌وگویی داشتم با «رضا انصاری» دانش آموخته دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگر ارشد اقتصادی مقیم آمریکا. او در حال حاضر در عنوان پژوهشگر در بنیاد اطلس مشغول به کار است. بنیادی که گسترش اندیشه‌های میلتون فریدمن را بخشی از رسالت خویش می‌داند.

● **چنانچه یکی از مسایل اصلی اقتصاد را چگونگی تخصیص منابع محدود به قصد بر آورده ساختن حداکثری نیازهای نامحدود بدانیم، پاسخ لیبرال‌ها به مساله تخصیص منابع در ایران چیست؟**
من ترجیح می‌دهم به جای اینکه از پاسخ لیبرال به مساله توزیع منابع سخن بگویم – که پرسش شما می‌طلبد- و تالی‌اش این است که به ذهن متبادر کند که این پرسش اصیلاً پاسخ‌های هم‌راز و بدیل سوسیالیست و محافظه‌کار و ملی‌گرا و… هم دارد، پرسش را به شکلی دیگری مطرح کنیم. چون به نظر من، دو گزینه بیشتر نداریم. محل اختلاف اینجاست که تصمیم‌گیری درباره اهداف، منافع شخصی (نه عمومی) را به صورت انفرادی انجام می‌دهیم یا دسته‌جمعی؛ به صورت نامتمرکز انجام می‌دهیم، یا متمرکز؛ مصرف‌کننده‌سالاری داریم، یا دولت‌سالاری؛ تصمیم‌گیری را با سازوکار بازار انجام می‌دهیم، یا با سازوکار سیاست؛ راحل‌را در رقابت می‌جویم، یا در انحصار.

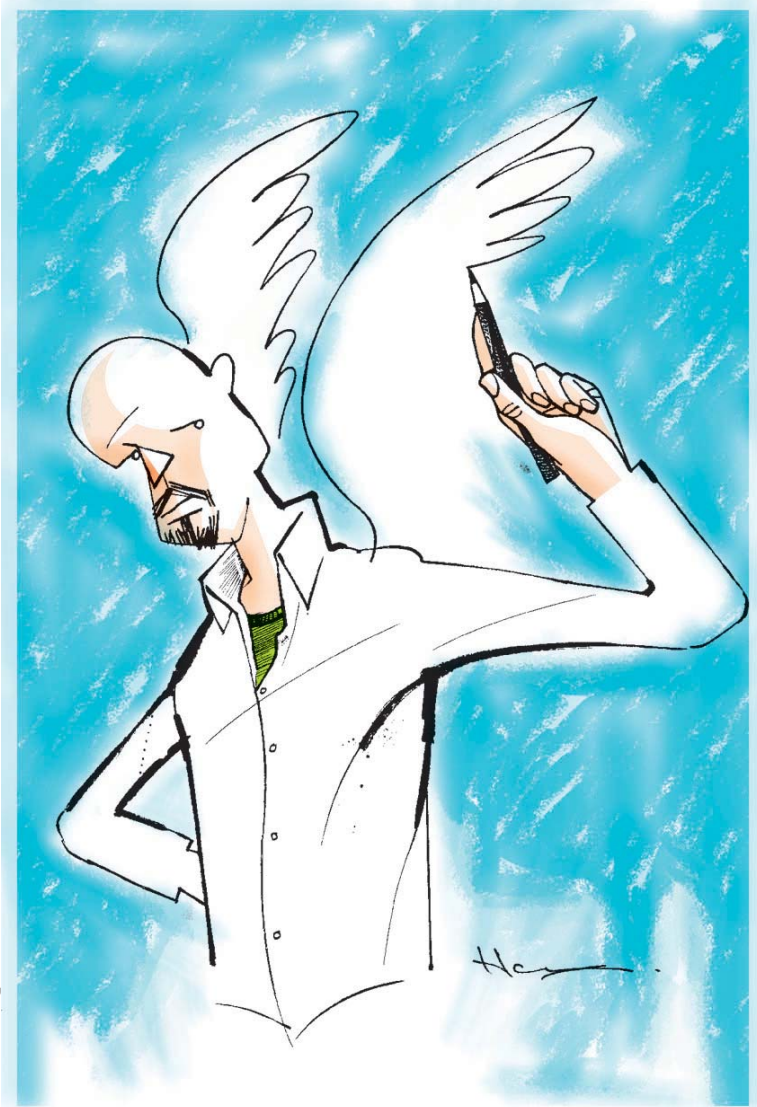
هر جامعه‌ای هم بپهرمند است از میزانی از سرمایه مادی و سرمایه انسانی. به این اعتبار، هر جامعه‌ای را می‌توان جامعه سرمایه‌داری خواند، فرضا هم کوبا سرمایه‌دار است، یعنی سرمایه‌دار، نیروی کار و زمین و ماشین‌آلات دارد و هم کانادا. حال پرسش این است که تصمیم‌گیری درباره نحوه بهره‌برداری از این سرمایه‌ها چگونه باید باشد؟ چه کسی باید تصمیم بگیرد؟

دو پاسخ عمده به این پرسش وجود دارد. پاسخ اول این است که همه افراد جامعه در ایسن تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند و تصمیم به شکل «دسته‌جمعی» گرفته می‌شود، یا به‌عبارت دیگر، تصمیم‌گیری از طریق سازوکار سیاسی انجام می‌شود.
هر تصمیم‌گیری جمعی قطعاً مستلزم گفت‌وگوی جمعی است و در یک جامعه بزرگ فرضا ۵۰میلیونی چنین گفت‌وگویی بنا به طبیعتش نمی‌تواند در میدان مرکزی کشور انجام شود. حتی اگر ممکن بود که ۵۰میلیون ایرانی در میدان آزادی تهران جمع بشوند، باز هم قادر نبودند که باهم گفت‌وگو کنند. جمعیت میلیونی تنها می‌تواند شمار بدهد، یعنی حرف یک بلندگو را تکرار کند و نه اینکه استدلال کند؛ بگوید و بشنود. تصمیم‌گیری دسته‌جمعی یا سیاسی درباره استفاده از سرمایه‌های جامعه در بهترین حالت به صورت دموکراتیک انجام می‌شود؛ یعنی اکثریت جامعه و نه همه جامعه- از طریق انتخابات دوره‌ای قدرت تصمیم‌گیری را به نمایندگان از خود واگذار می‌کند و اکثریت جامعه این‌گونه نظرات خود درباره اینکه ترجیحات‌شان چیست و بهره‌برداری از منابع چگونه باشد به شمار معدود منتخبان سیاسی خود منتقل می‌کند که در خلاف جمعیت ۵۰میلیونی قاعداًتاً قادراند زیر یک سقف جا بشوند، به نوبت صحبت بکنند و فرایند تصمیم‌گیری عقلانی را طی کنند.

پاسخ دوم این است که همه مردم مشارکت می‌کنند، اما یک تصمیم‌گیری کلان به صورت «دسته‌جمعی» انجام نمی‌دهند، بلکه به‌طور «تفردی» تصمیم‌های خرد می‌گیرند، هر یک در حوزه خود، اما نه مستقل از دیگری؛ تصمیم هر فرد قیدی است بر تصمیم دیگری، به عبارت دیگر درباره استفاده از سرمایه‌ها تصمیم‌گیری غیرسیاسی می‌کنند، تصمیم‌گیری‌ای از طریق سازوکار بازار، بدون مرم کریت و سازمان‌دهی مرکزی و جمعی. آنچه ممکن می‌سازد که از دل میلیون‌ها تصمیم خرد، بدون اینکه تصمیم‌گیرندگان دور هم جمع شده باشند، با هم گفت‌وگو کرده باشند و گزینه‌های بدیل را سنجیده باشند، سرمایه‌ها در راه تحقق اهداف فردی افراد جامعه تخصیص پیدا بکند، ساز و کار قیمت‌هاست و قانون عرضه و تقاضا. البته لازمه عمل کردن این سازوکار مالکیت خصوصی است و آزادی مبادله. نظام بازار در واقع تصمیم‌گیری انفرادی است درباره اهداف و منافع شخصی، و تصمیم‌گیری دسته‌جمعی سیاسی درباره اهداف و منافع شخصی همانی است که دولت‌سالاری می‌خوانیم.

جامعه یک کل واحد نیست و متشکل است از افرادی که هر یک اهداف متفاوت خود را دارند، ترجیحات خود را دارند، دانش و مهارت خود را دارند و خلاقیت‌های خود را دارند. در چنین وضعیتی دور از انتظار نیست که تخصیص سرمایه از طریق نظام نامتمرکز کارآمدتر باشد بر تخصیص متمرکز. به عبارت دیگر، این شکل از تصمیم‌گیری نامتمرکز متناسب‌تر است با جنس مساله‌ای که قرار است حل کنیم. در تصمیم‌گیری سیاسی مشارکت مردم فرآیند تصمیم‌گیری هر چند سال یکبار است، بر خلاف بازار، نه هر روز؛ در بهترین وضعیت، اکثریت تصمیم می‌گیرد و بر خلاف بازار، نه همه؛ تنها گوشه‌ای از خیل عظیم اطلاعات مرتبط با موضوع قابل‌انتقال به زمانه‌ریزان منتخب است، بر خلاف بازار که همه اطلاعات استفاده می‌شود و نکته دیگر اینکه سیاست‌مدار مغلوبه بر دانای کل بودن باید فرضه هم باشد؛ یعنی مفت‌جویی شخصی نداشت‌ه باشد که بر روی زمین لااقل کمیاب است.

اقتصاد



طرح حسین کیمیاکار

از رنج آنهایی که ناراحت می‌شوند، اما قطع نظر از اینکه این محاسبه اصولاً امکان‌پذیر نیست، پیامد ناخواسته این فایده‌گرایی کنش‌محور در دنیایی که بازی‌های بعدی هم در کار خواهد بود چیزی جز کاهش خالص لذت نیست.
ایسن را هم ناگفته نگذارم که نگاه فایده‌گرایانه، به گمان من، مستعد این هست که بد فهمیده شود و دامن بزند به خلط بین دو مفهوم آزادی و ثروت. عده‌ای با نگاه فایده‌گرایانه آزادی و ثروت را یک‌کاسه می‌کنند، می‌گویند آزادی خوب است؛ ثروت هم خوب است. خب، حرف درستی است، اما بین نهاد آزادی و ثروت رابطه علی‌ومعلولی وجود دارد؛ آزادی بیش‌تر به ثروت بیشتر می‌انجامد. این یک کاسه کردن آن رابطه علی را کمی از نظر غایب می‌کند و ممکن است ما را به دامن فایده‌گرایی کنش‌محور بیندازد و به نقض قاعده آزادی به اسم تولید ثروت و با توجیه مبتنی بر یک فرض محض که جمع جبری هزینه نقض آزادی و فایده افزایش ثروت مثبت خواهد بود.

اقتصاد اتریشی هم که در پرسش شما بود یک مکتب اقتصادی است مبتنی بر یک روش‌شناسی خاص که گزارش‌های علم اقتصاد را بر اساس استنتاج منطقی استخراج می‌کند و درستی آنها را در تایید تجربی نمی‌جوید. از این نظر که در آن، علم اقتصاد قدم به قدم بر اساس استنتاج منطقی از یک مقدمه ساده -حکمه رفتار هدفمند داشتن انسان- استخراج می‌شود، روشش به روش فیلسوفان سیاسی حقوق طبیعی شباهت دارد که نظم سیاسی را از مقدمه صاحب حقوق بودن انسان استخراج می‌کنند. از آن نظر که ارزش اذهنی می‌داند و ارزش وسیله (فرضا میخ و چوب) را از ارزش ذهنی هدف (فرضا صندلی) استخراج می‌کند، چیزی که به گمانم بزرگ‌ترین دستاورد اقتصاد اتریشی بوده است، با فایده‌گرایی قابل‌قیاس است که در آن فایده ذهنی است. اما در کل، بین آزادی‌خواهی و مکتب اتریشی اختلاف هیچ رابطه ضروری‌ای وجود ندارد. یک اقتصاددان آزادی‌خواه می‌تواند تجربه‌گرا باشد، چون میلتون فریدمن، یا منطق‌گرا باشد، چون لودویگ فون میزس.

● **برخی روشنفکران عموماً ناآشنا به دانش اقتصاد به قصد ایجاد تعادل میان ارزش‌های روشنفکری و واقعیات اقتصادی به طرح ایده «سوسیالیسم بازار» پرداخته‌اند، اما تجربه نشان از ناپایداری این ایده دارد. سوسیالیسم بازار در یوگسلاوی سابق به سرعت به سوسیالیسم و در چین به سوی بازار مایل شد. نظر شما در این خصوص چیست؟**
ایده سوسیالیسم بازار که در یوگسلاوی سابق تجربه شد این بود که اداره بنگاه‌ها از دولت به کارگران بنگاه‌ها منتقل بشود و درآمد بنگاه نیز بین خود کارگران تقسیم شود، به این معنا که کارگران تا زمانی که کار می‌کنند، گویی شبه‌مالکیتی هم دارند. متوجه شده بودند که مالکیت دولت بر بنگاه‌ها ناکارآمد است، اما به مالکیت خصوصی هم نمی‌خواستند تن بدهند، بنابراین راحل مبادی‌ای که خیلی آرمان‌های سوسیالیستی‌شان را نیز قربانی نکند، در این یافته بودند که مالکیت جمعی هر بنگاه را به کارگران همان بنگاه واگذار کنند. این تغییر یک پیامد جالبی داشت که قابل انتظار هم بود. و آن اینکه نرخ بیکاری به طوری فزاینده‌ای در حال افت. علت افزایش نرخ بیکاری این بود که کارگرایی که

از رنج آنهایی که ناراحت می‌شوند، اما قطع نظر از اینکه این محاسبه اصولاً امکان‌پذیر نیست، پیامد ناخواسته این فایده‌گرایی کنش‌محور در دنیایی که بازی‌های بعدی هم در کار خواهد بود چیزی جز کاهش خالص لذت نیست.
ایسن را هم ناگفته نگذارم که نگاه فایده‌گرایانه، به گمان من، مستعد این هست که بد فهمیده شود و دامن بزند به خلط بین دو مفهوم آزادی و ثروت. عده‌ای با نگاه فایده‌گرایانه آزادی و ثروت را یک‌کاسه می‌کنند، می‌گویند آزادی خوب است؛ ثروت هم خوب است. خب، حرف درستی است، اما بین نهاد آزادی و ثروت رابطه علی‌ومعلولی وجود دارد؛ آزادی بیش‌تر به ثروت بیشتر می‌انجامد. این یک کاسه کردن آن رابطه علی را کمی از نظر غایب می‌کند و ممکن است ما را به دامن فایده‌گرایی کنش‌محور بیندازد و به نقض قاعده آزادی به اسم تولید ثروت و با توجیه مبتنی بر یک فرض محض که جمع جبری هزینه نقض آزادی و فایده افزایش ثروت مثبت خواهد بود.

اقتصاد اتریشی هم که در پرسش شما بود یک مکتب اقتصادی است مبتنی بر یک روش‌شناسی خاص که گزارش‌های علم اقتصاد را بر اساس استنتاج منطقی استخراج می‌کند و درستی آنها را در تایید تجربی نمی‌جوید. از این نظر که در آن، علم اقتصاد قدم به قدم بر اساس استنتاج منطقی از یک مقدمه ساده -حکمه رفتار هدفمند داشتن انسان- استخراج می‌کند و درستی آنها را در تایید تجربی نمی‌جوید. از این نظر که در آن، علم اقتصاد قدم به قدم بر اساس استنتاج منطقی از یک مقدمه ساده -حکمه رفتار هدفمند داشتن انسان- استخراج می‌کند، چیزی که به گمانم بزرگ‌ترین دستاورد اقتصاد اتریشی بوده است، با فایده‌گرایی قابل‌قیاس است که در آن فایده ذهنی است. اما در کل، بین آزادی‌خواهی و مکتب اتریشی اختلاف هیچ رابطه ضروری‌ای وجود ندارد. یک اقتصاددان آزادی‌خواه می‌تواند تجربه‌گرا باشد، چون میلتون فریدمن، یا منطق‌گرا باشد، چون لودویگ فون میزس.

● **به قصد ایجاد تعادل میان ارزش‌های روشنفکری و واقعیات اقتصادی به طرح ایده «سوسیالیسم بازار» پرداخته‌اند، اما تجربه نشان از ناپایداری این ایده دارد. سوسیالیسم بازار در یوگسلاوی سابق به سرعت به سوسیالیسم و در چین به سوی بازار مایل شد. نظر شما در این خصوص چیست؟**
ایده سوسیالیسم بازار که در یوگسلاوی سابق تجربه شد این بود که اداره بنگاه‌ها از دولت به کارگران بنگاه‌ها منتقل بشود و درآمد بنگاه نیز بین خود کارگران تقسیم شود، به این معنا که کارگران تا زمانی که کار می‌کنند، گویی شبه‌مالکیتی هم دارند. متوجه شده بودند که مالکیت دولت بر بنگاه‌ها ناکارآمد است، اما به مالکیت خصوصی هم نمی‌خواستند تن بدهند، بنابراین راحل مبادی‌ای که خیلی آرمان‌های سوسیالیستی‌شان را نیز قربانی نکند، در این یافته بودند که مالکیت جمعی هر بنگاه را به کارگران همان بنگاه واگذار کنند. این تغییر یک پیامد جالبی داشت که قابل انتظار هم بود. و آن اینکه نرخ بیکاری به طوری فزاینده‌ای در حال افت. علت افزایش نرخ بیکاری این بود که کارگرایی که

پرسه

گوجه‌فرنگی ارزان نشد

● **به‌رغم وعده مسوولان تنظیم بازار کشور، قیمت گوجه‌فرنگی نه تنها در روزهای گذشته کاهش نیافته است، بلکه همچنان قیمت این کالا بر بالا بودن پافشاری می‌کند، ضمن اینکه گوجه عرضه شده در مراکز توزیع مشخص نیز از کیفیت لازم برخوردار نیست.**
گوجه‌فرنگی و صیفی‌جات از جمله کالاهایی بود که امسال با افزایش قیمت خود، خیرساز شد. در واقع از روزهای ابتدایی سال جاری و هم‌زمان با تعطیلات نوروزی که به نظر می‌رسید مسوولان تنظیم بازار کشور نیز به تعطیلات رفته باشند، قیمت این کالا رو به افزایش نهاد و رنج قیمتی متفاوتی از ۴۵۰۰ تومان گرفته تا ۸هزار تومان را در مناطق شهر تهران همچون میرداماد و سعادت‌آباد تجربه کرد. به‌دنبال این افزایش قیمت، مسوولان تنظیم بازار کشور اعم از معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت و نیز شورای اصناف کشور وعده دادند که با ورود گوجه‌فرنگی تازه به بازار، قیمت این محصول کاهش می‌یابد در حالی که تاکنون چنین نشده است.
بازار محصول جدید به بازار وارد نشده یا دلانن اجازه کاهش قیمت این محصول را نمی‌دهند. این در شرایطی است که محصولات عرضه شده در میادین میوه و تره بار نیز از کیفیت لازم برخوردار نیستند و عمدتاً با قیمتی در حدود ۲۸۰۰ تومان عرضه می‌شوند که خود این قیمت نیز برای کالایی همچون گوجه فرنگی، بالا به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، در حالی که عرضه گوجه‌فرنگی به دلیل کیفیت نامرغوب اما با قیمت نسبتاً مناسب‌تر از سطح شهر آغاز شده است که مغازه‌داران گوجه‌فرنگی با کیفیت را همچنان با قیمت بالا در اختیار مردم قرار می‌دهند و بسته به مناطق مختلف و توانایی خرید مردم، قیمت‌ها متفاوت است؛ به نحوی که قیمت از ۲۴۰۰ تومان در میدان فاطمی آغاز شده و تا ۶۵۰۰ تومان در مناطقی همچون شیخ بهایی و سعادت‌آباد عرضه می‌شود.

صادرات زعفران دو برابر می‌شود

● **ایسنا:**
عضو شورای ملی زعفران از افزایش ۱۰ درصدی سطح زیر کشت زعفران و افزایش دو برابری صادرات زعفران در سال جاری در صورت نبود مشکلات در راه صادرات طلای سرخ خبر داد.
علی حسینی اظهار کرد: با توجه به تاثیر بارندگی‌های مامهای پایانی سال گذشته و اوایل امسال در افزایش گلدهی زعفران، پیش‌بینی می‌شود زعفران کاران سال خوبی را پشت‌سر بگذارند و ضمن افزایش ۱۰ درصدی سطح زیر کشت، میزان تولید به بیش از ۲۵۰ تن برسد. وی افزود: در حال حاضر سطح زیر کشت زعفران ۸هزار هکتار است که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال به حدود ۹هزار هکتار برسد. عضو شورای ملی زعفران گفت: هم‌اکنون ۳۱/۳کیلوگرم زعفران از هر هکتار برداشت می‌شود در صورتی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میزان برداشت زعفران از هر هکتار پنج کیلوگرم بود که با احتساب این باید میزان تولید زعفران در حال حاضر به ۴۰۰ تن می‌رسید. حسینی دلیل کاهش عملکرد زعفران را افزایش ضایعات دانست و اظهار کرد: برای کاهش ضایعات باید ضمن جمع‌آوری به‌موقع کل و مزارع و جلوگیری از جابه‌جایی و نگهداری طولانی‌مدت آن، در جاسازی و خشک‌کنن زعفران سرعت عمل را افزایش داد.

یک عضو شورایعالی کار:

نرخ بیکاری تا ۲۰ تا ۳۰ درصد است

● **اینا:**
علت نادرست بودن نرخ بیکاری، در عدم محاسبه میزان خروجی‌های مبتنی بر تعدیل و کاهش نیروی کار از سوی مراکز آماری است. یک عضو شورایعالی کار با اعلام اینکه نرخ بیکاری بین ۲۰ تا ۳۰ درصد است، گفت: علت نادرست بودن نرخ بیکاری، در عدم محاسبه میزان خروجی‌های مبتنی بر تعدیل و کاهش نیروی کار از سوی مراکز آماری است. فرامرز توفیقی با اعلام اینکه آمار دقیقی از شروع به کار بنگاه‌ها در سال جدید وجود ندارد، گفت: بنگاه‌های تولیدی در انتظار آمار همسان‌سازی نرخ از سوی بانک مرکزی هستند. وی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: در حوزه کار برخی مراجع تنها آمار ورودی‌ها را اعلام می‌کنند و میزان خروجی‌های مبتنی بر تعدیل و کاهش نیروی کار را محاسبه نمی‌کنند تا آمار دقیقی از میزان اشتغال به‌دست آید. توفیقی نرخ بیکاری را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تخمین زد و افزود: مادمی که این آمار را به عنوان یک بحث پنهان و پنهان‌کننده به‌دروستی آن را در اختیار مراکز قرار ندیم نمی‌توانیم آمار را سنجش کنیم و قطعاً گمانه‌زنی‌ها نمی‌تواند به بار بنشیند. وی گفت: این امر باعث می‌شود هزینه بسیاری صرف شود ولی بازخورد این انرژی و سرمایه اندک باشد، چرا که بر اساس فرضیات و گمانه‌زنی‌ها چنین تئوری‌ای را پیاده‌سازی کرده‌ایم.

بازار ارزان‌تر از کارخانه

● **ایسنا:**
با نزدیک شدن به موعد اعلام قیمت‌های جدید خودروهای داخلی، فعالان بازار خودرو خود را برای کاهش رسمی قیمت‌ها آماده می‌کنند. به گزارش ایسنا، فعالان بازار معتقدند کاهش قیمت‌های رسمی، شوک دیگری به این بازار وارد کرده و موجب کاهش بیشتر قیمت‌ها در بازار آزاد خواهد شد. این در حالی است که هم‌اکنون قیمت بسیاری از خودروهای داخلی در بازار آزاد به کمتر از قیمت‌های رسمی آنها سقوط کرده است. به عنوان مثال در حالی قیمت تندر ۹۰ ایران‌خودرو و پارس‌خودرو در بازار آزاد به حدود ۳۰میلیون و ۵۰۰هزار تومان رسیده که قیمت این محصول در دو کارخانه سازنده ۵۵میلیون و ۵هزار تومان تعیین شده‌است.